

The educational components of the new generation in UNESCO's 2030 document and its contradictions with the foundations of the political system of the Islamic Republic

Nasser Rozbahani

Assistant Professor, Faculty of Broadcasting, Qom branch, Qom, Iran. drmottaghizade@gmail.com

Ahmad Moradkhani

Associate Professor, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

(**Corresponding author**). ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

Abdullah Motaghi Zadeh

Assistant Professor, Faculty of Broadcasting, Qom branch, Qom, Iran. drmottaghizade@gmail.com

The most important goal of divine religions is to guide and train people to reach perfection and closeness to God, which can only be done through self-improvement and proper training. It is in the light of correct education that faithful and self-made people are raised and as a result, a healthy society emerges in the socio-political arena. From this point of view, the system of the Islamic Republic, which is built on Islamic political foundations, has specific responsibilities in the field of education and must organize the education system based on religious foundations and implement it based on the religious and cultural ecology of Iran. This is despite the fact that according to UNESCO's 2030 document in the field of education, the path and components have been highlighted that are incompatible with many of the foundations of religious thought in the field of society and politics, and in fact, the 2030 document is inconsistency and contradiction with the high goal of political education in the Islamic system. has it. The present research, with a descriptive, analytical and critical method, by examining the content of the Sustainable Development Document (2030), has found some cases of conflict between.

Keywords: Education, political education, youth and youth, sustainable development document, 2030, political system, Quran, hadiths

مولفه‌های تربیتی نسل جدید در سند ۲۰۳۰ یونسکو و تضادهای آن با مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی

ناصر روزبهانی دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. ali.r7421@gmail.com

احمد مرادخانی دانشیار، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

عبدالله متقی‌زاده استادیار، دانشکده صدا و سیما، واحد قم، قم، ایران. drmottaghizade@gmail.com

چکیده

برای کنشگرانی همچون جمهوری اسلامی ایران، یکی از مهمترین موضوعات چگونگی ارتباط آنها با نهادها و رژیم‌های بین‌المللی و فراگیر در سطح جهانی است. رژیم‌های بین‌المللی از طریق سازوکارهای پیچیده مرتبط با قلمروهای موضوعی نظیر اقتصاد، فرهنگ، و... تلاش می‌کنند تا بتوانند قواعد جهانی خود را بر همه کشورهای عضو نظام بین‌الملل مسلط نمایند. تا در شباهت کارکردی کشورهای عضو نظام بین‌الملل، تنش‌ها، کاهش یافته و می‌زان همکاری در سایه درک مشترک از ارزش‌ها رقم بخورد. یکی از این قلمروها مقوله تربیت است، که نهادهای فرهنگی و آموزشی بین‌المللی تلاش دارند تا ارزش‌های غربی را به عنوان ارزش‌های مشترک انسانی، تعمیم داده و سازوکارهای مشخصی را برای اجرایی شدن آن ارائه می‌دهند. تمایز می‌ان این ارزش‌های با ارزش‌های کنشگرانی که بر ارزش‌هایی غیر از ارزش‌های غربی تکیه دارند یکی از مهمترین مسائل پژوهشی است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا تمایزات می‌ان ارزش‌های سند ۲۰۳۰ با مبانی ارزشی جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید. جمهوری اسلامی بر بنیان‌های سیاسی اسلامی بناشده، در زمینه تربیت مسئولیت‌های مشخصی دارد و باید بر اساس مبانی دینی، نظام تربیتی را سامان نموده و بر اساس زیست بوم دینی و فرهنگی ایران آن را اجرایی نماید. با بررسی محتوای سند توسعه پایدار (۲۰۳۰)، این تضادها را می‌توان در مواردی نظیر آموزش جامع مسائل جنسی، به رسمیت شناختن همجنس‌گرایی، و برابری جنسیتی دختر و پسر تبیین نمود.

واژگان کلیدی: نهادهای بین‌الملل، اسناد بین‌المللی، یونسکو، سند توسعه پایدار، ۲۰۳۰، آموزش، تربیت نسل.

مقدمه

مهم‌ترین هدف ادیان الهی، هدایت و تربیت انسان‌ها برای رسیدن به کمال و قرب الهی است که تنها از راه خودسازی و تربیت صحیح صورت می‌پذیرد؛ در پرتو تربیت صحیح است که انسان‌های مؤمن و خودساخته پرورش یابند و به تبع آن، جامعه سالم در عرصه سیاسی - اجتماعی پدید می‌آید. تقابل میان رویکرد ادیان الهی و رویکردهای انسانی (منقطع از وحی) همواره یکی از مهمترین چالش‌های بوده است. در حال حاضر در ساحت فرهنگی، تضاد میان الگوهای رایج بین‌المللی برای تعاملات انسانی و یا ایجاد نظام‌های تربیتی با الگوهای تربیتی برخی کشورها، موجب شده است که دوگانه نظام داخلی و بین‌المللی در این ساحت‌ها به وجود آید. یکی از این نمونه‌ها سند توسعه ۲۰۳۰ ارائه شده توسط یونسکو می‌باشد. سند توسعه پایدار (۲۰۳۰) بر همگانی بودن آموزش تأکید داشته و شامل اهداف و چشم‌اندازهایی به منظور دستیابی به نظام آموزشی هدفمند می‌باشد. در بخش اهداف آموزشی موضوع آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه با محوریت یونسکو تعیین شده که ایران نیز متعهد به اجرای آن است و مؤلفه‌های کلیدی در برنامه آموزش ۲۰۳۰ شامل برابری و فراگیری بودن، دسترسی برابر، عادلانه و باکیفیت، برابری جنسیتی، کیفیت آموزش و یادگیری مادام‌العمر است. مهم‌ترین برنامه‌های اصلی این سند، پایان دادن به گرسنگی، آموزش با کیفیت، برابری جنسیتی، پایان دادن به فقر، کاهش نابرابری، دسترسی به انرژی پاک، رشد اقتصادی پایدار، داشتن شهرهای پایدار و ناب‌آور، در دسترس بودن آب آشامیدنی سالم و فاضلاب، اقدام برای مقابله با تغییر اقلیم، الگوی تولید پایدار، ارتقا اکوسیستم، استفاده پایدار از اقیانوس و دریا و جامعه پایدار و صلح‌آمیز است. براساس سند ۲۰۳۰ کشورهای عضو ملزم به رعایت و اجرای دقیق ۱۷ سرفصل اعلام شده هستند و این سازمان بر حسن اجرای آن نظارت می‌کند.

سند ۲۰۳۰ به عنوان آخرین سند بین‌المللی توسعه و آخرین تلاش سازمان‌های بین‌المللی برای پیگیری الگوهای توسعه در کشورهای در حال توسعه دارای اهداف، محورها، محتوا و مضمونی است که به ظاهر با هدف کمک به این کشورها و دستگیری و حمایت از آنها تهیه شده است. این سند، شامل سه سند رسمی و یک رویه اجرایی در کشور است. سند اول ۲۰۳۰ در سپتامبر ۲۰۱۵ یعنی شهریورماه ۱۳۹۴ و سند دوم نیز در آبان ماه ۱۳۹۴ به تصویب رسیده و سند سوم که چارچوب اجرایی اقدام ملی برای اجرای ۲۰۳۰ در کشور است نیز در آذرماه ۱۳۹۵ به تصویب رسیده و اقدامات اجرایی ۲۰۳۰ شکل قانونی و رسمی پیدا کرده است و حتی نامه معاون اول رئیس‌جمهور وقت ایران، برای اجرای سند از طریق ایجاد ساختار ملی اجرایی ۲۰۳۰ در شهریور ماه ۱۳۹۵ ابلاغ شده است. با توجه به اینکه امضاء سند ۲۰۳۰، به منزله پذیرش محتوای آموزشی آن و اقدام عملی برای پیاده‌سازی آن در کشور است، که این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که با توجه آیات و روایات در باب

تربیت، محتوای سند توسعه پایدار به ویژه هدف چهارم و پنجم آن، که سیاست‌های آموزشی و از جمله آموزش جامع جنسی است، چه تضادی با مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی دارد؟ به منظور دست‌یابی به پاسخ، تلاش می‌شود در این پژوهش مولفه‌های تربیتی نسل جدید در سند ۲۰۳۰ تبیین شود و تضادهای مولفه‌های تربیتی سند ۲۰۳۰ با مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی کشف شود. فرضیه پژوهش بر این امر استوار است که از آنجا که سند ۲۰۳۰ بر مبانی لیبرالی نظیر سکولاریسم، اومانیزم استوار است، سند ۲۰۳۰ با مبانی دینی در مقوله تربیت تطبیق نداشته و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کنشگر دینی لازم است که به مبانی تربیت بر اساس دین مبین اسلام و ارزش‌های ایرانی اسلامی توجه نماید. این پژوهش با روش تحلیل محتوا انجام شده، و با بررسی محتوای سند توسعه پایدار (۲۰۳۰)، به موارد تضاد سند مزبور با مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی که برگرفته از آیات و روایات اسلامی در باب تربیت جنسی است، می‌پردازد. در این پژوهش ابتدا سازه مفهومی پژوهش بیان شده، سپس به بررسی محتوایی سند پرداخته می‌شود.

۱. سازه مفهومی پژوهش

۱.۱. تربیت

کلمه «تربیت» از کلمات دخیل عربی در فارسی است که معادل آن در فارسی «پرورش» آمده است؛ این واژه در ادبیات تعلیمی فارسی کاربرد فراوان داشته است. اما ریشه این واژه «رب» است که توسط زبان‌شناسان عرب بدین صورت توضیح داده شده است که «راء و باء دارای چند مبنای معنایی است، نخست نیکو کردن شیء» (ابن فارس، ۱۴۱۸: ص) راغب در توضیح این واژه می‌گوید: «ربّ در اصل به معنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حدّ نهائی و تمام و کمال آن برسد... و بر فاعل به طور استعاره اطلاق می‌شود و ربّ به صورت مطلق فقط به خداوند جایز است گفته شود.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲:)

در خصوص معنای اصطلاحی «تربیت»، اتفاق نظر وجود ندارد و در هر علمی بر اساس مبانی همان علم و مکتب تعریفی برای این واژه ارائه داده‌اند. در دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری، تعلیم، پرورش و استقلال نیروی فکری و زنده کردن قوه ابتکار متعلم است و تربیت، پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است؛ از این رو، کاربرد واژه تربیت فقط در مورد جانداران صحیح است؛ زیرا غیر جانداران را نمی‌توان به مفهوم واقعی پرورش داد آن طور که یک گیاه یا حیوان و یا یک انسان را پرورش می‌دهند. (مطهری، ۱۳۸۳: ص ۲۰-۲۲ و ۵۷-۶۹) بنابراین تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت،

تا بتواند استعداد‌های نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به‌طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به‌سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند.

در نگاه نویسنده این نوشتار تربیت در حقیقت معنا همان «به فعلیت رساندن قوای نفسانی است» حال اگر این به فعلیت رساندن «به صورت متعادل» است و «برای نیل به کمال مطلوب» باشد به آن تربیت صحیح گفته می‌شود و اگر خلاف این دو قید در جریان تربیت صورت گیرد، تربیت نادرست شکل گرفته است. با توجه به معنای تربیت، مفهوم «تربیت کردن» روشن می‌شود و آن به معنای «بسترسازی و ایجاد مقتضی برای به فعلیت رسیدن قوای نفسانی و برطرف کردن موانع برای حصول این مهم در حیطه اختیارات انسانی است و همان‌گونه که عنوان شد این بستر سازی اگر در جهت کمال مطلوب باشد و نفس را به صورت متعادل به سوی کمال سیر دهد تربیت ما تربیتی صحیح است و گرنه تربیتی نادرست شکل می‌گیرد.

۱.۲. تربیت جنسی

در توضیح معنا و مفهوم تربیت جنسی، تعریف‌های متعددی بیان شده است. برخی بر این باورند که تربیت جنسی عبارت است از فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی، به گونه‌ای که ضمن استفاده لازم از این غریزه، از انحرافات و لغزش‌های جنسی نیز پیشگیری شود. برخی دیگر از صاحب نظران معتقدند مقصود از تربیت جنسی این است که کودک را به گونه‌ای تربیت کنیم که هنگامی که به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد و به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد و راه و رسم عفت اسلامی، خلق و خوی او باشد و در وادی شهوت، سرگردان نشود. (بهشتی، ۱۳۹۶: ص ۳۹) عده‌ای دیگر اعتقاد دارند منظور از تربیت جنسی، این است که زمینه‌ها و عواملی که مربوط به مسائل جنسی است، طوری فراهم شود که استعداد‌های شخصی در جهت رسیدن به کمال اختیاری فرد، شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب، یاری نماید. (ثابت، ۱۳۹۰: ص ۲۱)

۱.۳. تربیت سیاسی

یکی از ابعاد مهم تربیتی، تربیت سیاسی است. واژه تربیت سیاسی متشکل از دو مفهوم مستقل «تربیت» و «سیاست» است. با توجه به اختلاف در مفهوم تربیت و سیاست، تعاریف متفاوتی نیز از تربیت سیاسی شده است. جان الیاس در بیان مفهوم تربیت سیاسی می‌نویسد: «تربیت سیاسی پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود است. (الیاس، ۱۳۸۵: ص ۱۸۰) و اموری همچون تربیت شهروندان، گزینش رهبران سیاسی، ایجاد یک همبستگی سیاسی، حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام‌های سیاسی، نقد نظام سیاسی موجود و تربیت شهروندان جهانی از جمله اهدافی است که برای تربیت سیاسی ذکر می‌کند. (همان)

بنابر نظر یکی از نویسندگان عرب، مفهوم و اهداف تربیت سیاسی را چنین می توان بیان کرد: تربیت سیاسی پروسه ای است که به ایجاد شخصیتی عقلانی، منتقد، توانا در گفت و گویای سازنده و توانمند در عملکردهایی که به بهبود هر چه بیشتر وضعیت، می انجامد؛ به این معنا تقویت بینش انسان به صورتی که اهل نظر بوده، توانایی تحصیل، کسب بینش سیاسی (مستقل) را برای خود به ارمغان آورده که هدف از آن، پرداختن به رشد و گسترش روز افزون بینش و دیدگاه هایی است که در برگزیده ارزش ها، اعتقادات و جهت گیری ها و عواطف سیاسی می باشد؛ به صورتی که شخص نسبت به موضع گیری های سیاسی، قضایای محلی، منطقه ای و جهانی آگاه و مطلع باشد و همچنین بر مشارکت و فعالیت دقیق در صحنه های سیاسی و اجتماعی به طور کلی توانا باشد و نیز از اهداف آن تقویت بنیه مشارکت سیاسی انسان به نحوی که قدرت و توانایی فعالیت و مشارکت سیاسی را در جامعه با احساس مسئولیت و داشتن شوق و علاقه برای ایجاد تغییر و تحول در تمام اشکال و عناوین موجود که به ایجاد تغییر و تحول بهتر بینجامد، داشته باشد. (محمد طحان، ۱۳۸۱: ص)

در یک جمع بندی کلی می توان تربیت سیاسی را این گونه بیان نمود: زمینه سازی و فرصت آفرینی به منظور کسب دانش سیاسی و پرورش بینش و قدرت تحلیل سیاسی و ارتقای انگیزش و تقویت توان مشارکت و همگرایی افراد جامعه در امور اجتماعی سیاسی در یک روند تدریجی، مستمر و نظام مند است. (مجموعه مقالات برگزیده همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع)، ۱۳۷۹: ص ۴۴۳ و ۴۶۳) و از آنجا که انسان دارای سه نیروی عقل، دل و جسم است، تربیت سیاسی در سه محور اصلی تقسیم می شود:

- تربیت در حوزه دانش ها و بینش های سیاسی؛
- تربیت در حوزه ارزش ها و گرایش های سیاسی؛
- تربیت در حوزه مهارت ها و رفتارهای سیاسی و اجتماعی.

بر این اساس تربیت سیاسی یعنی رشد دانش ها، نگرش ها و مهارت های لازم برای حضور زنده و فعال شهروند مسلمان در عرصه های سیاسی ملی و جهانی.

نظام آموزش و پرورش یکی از کارگزاران مسؤؤل در فراگرد پرورش سیاسی است. محققان همبستگی های مثبتی بین آموزش و پرورش و آگاهی و مشارکت سیاسی مشاهده کرده و نتیجه گرفته اند که برخورداری از تحصیلات رسمی بالاترین تأثیر را بر نگرش های سیاسی دارد. (صالحی، ۱۳۸۲: ص)

در پرورش سیاسی، بر سه عنصر اصلی تأکید شده است.:

- شناخت: شخص درباره نظام سیاسی چه می داند و چه اعتقادی دارد؟

- احساس: شخص چه احساسی نسبت به نظام دارد؟ (شامل وظیفه شناسی، وفاداری، حس تعهدات شهروندی و...)...

- حس شایستگی سیاسی: نقش شخص در نظام سیاسی چیست؟ و چه می‌تواند باشد؟ (علاقه‌بند، ۱۳۷۹: ص ۷۴)

جامعه‌پذیری سیاسی چون دیگر اشکال و چهره‌های جامعه‌پذیری، در یک پروسه و جریان مستمر شکل می‌گیرد. عوامل مختلف - با سهم‌های متفاوت- در شکل‌گیری شخصیت سیاسی فرد، مؤثرند. بی‌تردید، برای یک نظام سیاسی، این نکته حائز اهمیت است که از عوامل مؤثر، سود جوید تا بتواند شخصیت سیاسی شهروندان را متناسب با نیازها و آرمانهای سیاسی نظام، شکل دهد.

برخی از جامعه‌شناسان، عوامل شکل‌گیری شخصیت سیاسی فرد را، به دو دسته تقسیم کرده‌اند. دسته نخستین عوامل اولیه جامعه‌پذیری سیاسی است که در این بخش، تماسهای نزدیک و چهره به چهره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را محقق می‌کند. عواملی چون خانواده، گروه همسال و ... در این بخش می‌گنجد. دسته دوم، عواملی که تماسهای چهره به چهره و نزدیک، نقش چندانی در آن ندارند. عواملی مانند: مدرسه، احزاب، اتحادیه‌ها، رسانه‌های گروهی و ... (قوام، ۱۳۷۱: ص ۷۶)

۱.۴. سند ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰ یکی از پروژه‌های سازمان ملل متحد است که به منظور جهانی سازی ملتها و یکسان سازی فرهنگها تحت عنوان «توسعه پایدار» در دستور کار قرار گرفته است. پس از شکست سند هزاره سازمان ملل، سند ۲۰۳۰ به پیشنهاد آمریکا به یونسکو ارائه شد و با حضور وزرای ۱۳۰ کشور از جمله ایران در کره جنوبی تصویب شد. در سپتامبر ۲۰۱۵ (مصادف با شهریور ۱۳۹۴) اهداف دستور کار مبانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ که ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی دارد به منظور اقدام عملی همه کشورها برای تحقق حکومت یکپارچه در سازمان ملل ارائه شد. ایران نیز از کشورهای شرکت کننده در این اجلاس بود که متعهد به اجرای این سند شد و پس از آن سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران با مدیریت و برنامه‌ریزی دفتر یونسکو در ایران با تشکیل ۳۰ کارگروه تخصصی تدوین و آماده و در تاریخ بیستم آذر ۱۳۹۵ رونمایی شد.

سند ۲۰۳۰ نماد تاثیرگذاری نهادهای بین‌المللی فرهنگی بر نظام تربیت داخلی است. در پژوهش حاضر در یک مدل مفهومی تلاش می‌شود تا نشان داده شود که چگونه نهادها و رژیم‌های بین‌المللی فرهنگی نظیر یونسکو و سند ۲۰۳۰ بر فرایند آموزشی در درون کشورها اثر می‌نهد.

۲. سیاست‌های حاکم بر سند ۲۰۳۰ و تعارض با مبانی نظام اسلامی

این سند ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی دارد که با نگاه سکولار و لیبرال به حقوق کودک، آموزش و پرورش، زن و خانواده پرداخته است. آنچه در قالب این سند مورد انتقاد قرار می‌گیرد آن است که در چارچوب عمل ۲۰۳۰ به واژه‌هایی همچون شهروند جهانی، برابری جنسیتی، حذف کلیشه‌های جنسی و ارائه آموزش‌های جنسی به کودکان و حذف برخی مفاهیم قرآنی و ارزشی از کتاب‌های درسی به بهانه ترویج صلح و نبود خشونت توجه شده است. برخی مؤلفه‌های بکار رفته در سند ۲۰۳۰ مغایر با آموزه‌های دینی و مبانی قرآنی و روایی اسلام در زمینه تربیت جنسی است. از جمله برابری جنسیتی، آموزش جامع مسائل جنسی از دوران ابتدایی، جواز برقراری رابطه بین دختران و پسران، جواز هم‌جنس‌گرایی و آموزش کتب ضد دینی. که در ادامه به بررسی این مؤلفه‌ها پرداخته خواهد شد. در واقع سند ۲۰۳۰ با هدف عالی تربیت سیاسی در نظام اسلامی ناهماهنگی و تضاد دارد

۲.۱. آموزش جامع مسائل جنسی و چالش‌های تربیت اجتماعی آن

یکی از مؤلفه‌های سند ۲۰۳۰ که با مبانی اسلامی در زمینه تربیت جنسی در تضاد می‌باشد، اشاره به آموزش جامع مسائل جنسی از سنین کودکی در مدرسه است. این امر با فرهنگ و ارزش‌های دینی ناسازگار است. چرا که باعث بروز مشکلاتی همچون زوال حیای دینی، بلوغ زودرس و فراهم آمدن بستر مناسب برای ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی می‌شود. در برنامه عملی که برای تحقق هدف چهارم دستور کار سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تدوین شده، در موارد متعددی بر ضرورت گسترش آموزش‌های جامع جنسی تأکید شده است. هدف چهارم چنین بیان داشته است: «تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه».

در این سند تصویب شده است که در همه مدارس باید آموزش جامع جنسی انجام شود. در اسناد سازمان ملل توضیح داده شده است که این اصل مبتنی بر مساله کنترل جمعیت و جلوگیری از آیدز است. کتاب «لک لکی در کار نیست» یکی از کتبی است که در همین راستا در دستور کار سند ۲۰۳۰ قرار گرفته است. در این کتاب سعی گردیده است باور کودکان راجع به اینکه نوزادان را لک لک‌ها می‌آورند را از بین برده و به جزئیات موضوع چگونگی بچه‌دار شدن به صورت مصور پرداخته است. کودکی که از سنین کم با این اطلاعات آشنا شود، ذهن خود را از این مسائل دور کند، دیگر محرم و نامحرم هم برای وی بی‌معنا می‌شود؛ چرا که در این کتاب‌ها تصاویر دختران و پسران با هم ترسیم شده و به آموزش مسائل جنسی پرداخته و حتی مشاهده شده که در برخی کلاس‌ها هم این موضوعات به صورت مختلط آموزش داده می‌شود. در سند ۲۰۳۰ یونسکو نباید هیچ مانعی می‌ان رفت و آمد و ارتباطات دانش‌آموزان دختر و پسر وجود داشته باشد و از هم‌جنس‌گرایی به عنوان یک حق دفاع می‌شود. (ربانی، ۱۳۹۶: ص ۸۹)

در این سند در توضیح آموزش جامع جنسی از عبارت «تنظیم خانواده» استفاده شده است. این عبارت، در ادبیات بین‌المللی و اسناد یونسکو تعریف مشخصی دارد. در یکی از اسناد یونسکو، آموزش جامع جنسی، به عنوان روشی برای آموزش مباحث و روابط جنسی شناخته می‌شود که متناسب با سن است، رویکردی فرهنگی دارد و با ارائه اطلاعات علمی دقیق، واقعی و بدون قضاوت شخصی همراه است. (تقی پور، ۱۳۹۴: ص ۴۸) در تبیین هدف چهارم سند ۲۰۳۰ باید گفت تا زمانی که دانش آموزان به خاطر گرایش‌های جنسی واقعی مورد تصورشان و یا هویت جنسی‌شان خشونت را تجربه کنند یا مورد تبعیض واقع شوند، هیچ کشوری نمی‌تواند به توسعه پایدار دست یابد.

طبق توضیح فوق، هدف یونسکو بسیار گسترده بوده و حتی شامل هم‌جنس‌گرایان نیز می‌شود. توضیح آن که خشونت بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسی یا تظاهر به جنسیت خاص، عموماً متوجه این گروه‌ها می‌شود: دانش‌آموزانی که لزبین (دختران هم‌جنس‌گرا) گی (پسران هم‌جنس‌گرا) یا دوجنسی هستند (هم‌جنس‌گرا هراسی) دانش‌آموزانی که ترا جنسی هستند (ترا جنس هراسی) و کسانی که تظاهرات جنسیتی‌شان در دو گروه معمول جنسیت (زن و مرد) نمی‌گنجد؛ مانند پسرانی که تصور می‌کنند مؤنث هستند و دخترانی که تصور می‌کنند مذکر هستند. با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت می‌توان گفت آموزش جامع جنسی در هدف چهارم سند ۲۰۳۰ ذکر شده است، یک راهبرد مبتنی برای رابطه جنسی سالم است که هیچ رویکرد عفیفا نه ندارد و به جای کنترل رفتار پرخطر، بر کاهش آسیب‌های آن تأکید می‌کند.

۲.۲. منظور از «آموزش جامع جنسی» در سند ۲۰۳۰

منظور از آموزش جنسی، ارائه اطلاعات کلی صحیح درباره وقایع و تغییرات جسمی و روانی بلوغ و راهنمایی نوجوانان در رفتار و کردار آن‌ها در این سن، نسبت به خود و دیگران و شیوه ابراز علاقه و دوستی‌های معقول و جلوگیری از انحرافات است. (اسمیت، ۱۳۹۷: ص ۲۹)

برخی صاحب‌نظران معتقدند آموزش جنسی باید به صورت مستقیم و غیرمستقیم و با هدف پرورش نسل سالم و جامعه صالح انجام شود. صلاح و فساد هر جامعه بر اساس صلاح و فساد افراد و روابط آن‌ها با یکدیگر و از جمله روابط جنسی شکل می‌گیرد. اگر همه یا بیشتر افراد جامعه، سالم باشند و روابط آن‌ها با یکدیگر، با ارزش‌ها و هنجارهای دینی منطبق باشد، آن جامعه، جامعه‌ای سالم است. آموزش مسائل جنسی، به صورت صحیح و کامل در هر دوره و فراگیری ارزش‌ها و هنجارهای دینی و عملکردهای افراد در هر مقطع سنی، افراد را به سوی رفتارهای سالم و پرهیز از فساد می‌کشاند و سلامت روان را برای آنان به دنبال دارد و در نتیجه، نسل جامعه، سالم پرورش می‌یابد و جامعه، سالم می‌شود. (سیف، ۱۳۹۷: ص ۱۴۲)

با توجه به مطالب یادشده، مراد از آموزش جنسی، ارائه اطلاعات و آموزش‌های لازم متناسب با سن، جنس و نیاز مخاطب در زمینه جنسیت، هویت جنسی، اندام‌های جنسی، چگونگی تولیدمثل، تغییرات

جسمی و روانی دوران بلوغ و احکام و دستورهای شرعی و بهداشتی مرتبط با آن، بایسته‌های تعامل و ارتباط با جنس مخالف، چگونگی خویشتن داری جنسی و استفاده درست از گزینه جنسی است که با هدف پاسخ گویی به پرسش‌ها و ابهام‌های ذهنی دختران و پسران، آشنا کردن آن‌ها با وظایف و تکالیف بهداشتی و شرعی خود، جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده جنسی از کودکان و انحراف جنسی نوجوانان و جوانان و در نهایت، زمینه سازی برای ازدواج و تشکیل خانواده و انجام درست وظایف زناشویی انجام می‌شود.

بدیهی است که چنین رویکردی با مبانی شریعت اسلام هیچ تناسبی ندارد. مبانی دینی با آموزش کامل مسائل جنسی به کودکان در سنین پایین مخالف بوده و معتقد است باید به تناسب سن آنان در این خصوص آموزش ببینند. به طور مثال درباره پاسخ دادن به سؤالات جنسی کودکان به والدین و مربیان توصیه شده است به تناسب سن کودک به او پاسخ مناسبی بدهند. (عاملی، ۱۳۸۹: ص ۹۶)

به طور مثال کودکان در ابتدا درباره نحوه به دنیا آمدن بچه‌ها سؤال می‌پرسند و یا درباره چگونگی خارج شدن بچه از شکم مادر کنجکاوی می‌کنند. والدین باید در هر سن جواب‌هایی متناسب با سن کودک به او بدهند. بعضی از پدران و مادران از پاسخ دادن طفره می‌روند و پرده‌پوشی می‌کنند و با تعبیری نامعقولی همچون: این پرسش‌ها به تو نیامده، بزرگ می‌شوی می‌فهمی، بعداً برایت می‌گویم، بچه‌ها را ساکت می‌کنند و بعضی دیگر نیز جواب‌های نادرست و خلاف واقع می‌دهند، مثل اینکه می‌گویند خدا این بچه را از آسمان برای ما فرستاده یا از بیمارستان خریدیم.

کودک متوجه می‌شود که این پاسخ‌ها، جواب درست سؤالات او نیست و پدر و مادر او را فریب می‌دهند. این چنین به نظر می‌رسد که باید در سطح فهم کودکان، سؤالات آنها در مسائل جنسی پاسخ داده شود و از پرده‌پوشی و پاسخ‌های خلاف واقع پرهیز گردد؛ زیرا عوارض متعددی دارد، از جمله ممکن است آنها به دوستان و یا منابعی غیر مطمئن روی آورند که چه بسا زمینه انحرافات جنسی را در آنان موجب می‌گردد. (فقیهی، ۱۳۹۴: ص ۱۲۸)

بنابراین برای پیشگیری از انحرافات جنسی کودکان، لازم است به پرسش‌های جنسی آنان درست و متناسب با درکشان پاسخ داد و البته با دقت به معیارهایی که ذکر خواهد شد، پاسخ اغلب سؤالات آنان مشکل نخواهد بود. اغلب سؤالات جنسی کودکان، به گونه‌ای نیست که نتوان به آن جواب داد. ممکن است کودک سؤال کند که نی نی کوچولو قبلاً کجا بوده و از کجا آمده است؟ در اینجا پدر و مادر می‌توانند پاسخ دهند که مدتی در شکم مادر زندگی می‌کرد، بعداً بیرون آمد. ممکن است بپرسد از کجا بیرون آمد؟ می‌توان پاسخ داد که زیر شکم مادر، راهی است که بچه می‌تواند از آنجا بیرون بیاید.

ممکن است بگوید چگونه در شکم مادر به وجود آمد؟ می‌توان پاسخ داد که در شکم مادر به وجود می‌آید، تدریجاً بزرگ می‌شود تا یک بچه کامل گردد، آنگاه از شکم مادر خارج می‌شود. در این قبیل سؤالات، صلاح نیست که والدین مسائل پیچیده زناشویی را به می‌ان بیاورند و مطالبی را بگویند که

کودک برای فهم آنها آمادگی پیدا نکرده است. کودک نمی‌خواهد همه حقایق را بفهمد. او می‌خواهد مطالب را به مقداری که سؤال می‌کند بداند نه بیشتر. (امینی، ۱۳۸۷: ص ۱۴۶)

این درست است که برای والدین سخت است که راجع به رفتار و روابط جنسی با فرزندشان صحبت کنند و از طرفی ممکن است برای فرزندان نیز مشکل باشد، اما این موضوع بیشتر به نحوه ارتباط قبلی والدین با فرزندشان و احساس خود والدین در مواجهه با چنین موضوعاتی بستگی دارد. مهم این است که هنگام صحبت کردن با کودکان از کلماتی استفاده شود که برایشان قابل فهم تر است و با آنها راحت هستند. همچنین سؤالات آنها نباید باعث ایجاد ترس و نگرانی در والدین بشود، هر زمان والدین احساس کردند پاسخ سؤالی را نمی‌دانند یا آمادگی پاسخ دادن سریع را ندارند، بهتر است به کودک بگویند: سؤال خوبی کردی اما من باید کمی روی سؤال تو فکر کنم و بعد جوابت را بدهم. (شادی، ۱۳۹۵: ص ۱۰۹)

نکته دیگری که در پاسخ دادن به سؤالات جنسی کودک حائز اهمیت است این است که والدین باید صادقانه جواب او را بدهند و ازدادن اطلاعات نادرست به او خودداری نمایند. همچنین باید به زبان کودکانه با او سخن بگویند. هنگامی که با کودک در مورد رفتار و روابط جنسی صحبت می‌شود، سطح دانش و درک فرزند باید مشخص گردد تا پدر و مادر بتوانند متناسب با آن به او اطلاعات دهند. باید از لحن طنز و شوخی استفاده نمایند و او را تشویق کنند تا حرف بزند و سوالاتش را بپرسد. چرا که اگر کودک، سؤالات خود را از پدر و مادر خویش نپرسد، برای یافتن پاسخ آن‌ها به سراغ دوستان خود یا منابعی همچون اینترنت و فیلم‌های مستهجن می‌رود. (همان: ص ۱۱۱)

بنابراین پرداختن به «آموزش جامع جنسی» در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی هرگز به صلاح کودکان، نوجوانان و خانواده‌های ایرانی نیست و نتیجه‌ای جز ترویج موضوعات و مسائل جنسی در جامعه و تحریک جنسی زود هنگام فرزندان این مرز و بوم ندارد.

۲,۳. به رسمیت شناختن هم‌جنس‌گرایی و پیامدهای هویتی آن

یکی دیگر از نکات مورد توجه در سند ۲۰۳۰ که به وضوح مغایر و مخالف با مبانی شریعت اسلامی می‌باشد، جواز هم‌جنس‌گرایی است. در هدف چهارم سند مذکور بر لزوم آموزش برابر برای همه افراد به دور از خشونت تأکید شده است. لازمه تحقق این هدف این است که دانش آموزان به خاطر گرایش‌های جنسی واقعی مورد تصورشان و یا هویت جنسی‌شان خشونت را تجربه نکنند یا مورد تبعیض واقع نشوند. به این اساس هدف چهارم سند ۲۰۳۰ بسیار گسترده بوده و حتی شامل هم‌جنس‌گرایان نیز می‌شود. توضیح آن که خشونت بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسی یا تظاهر به جنسیت خاص، عموماً متوجه این گروه‌ها می‌شود: دانش‌آموزانی که لزبین (دختران هم‌جنس‌گرا) گی (پسران هم‌جنس‌گرا) یا دوجنسی هستند (هم‌جنس‌گراهراسی) دانش‌آموزانی که ترا جنسی هستند (ترا جنس

هراسی) و کسانی که تظاهرات جنسیتی‌شان در دو گروه معمول جنسیت (زن و مرد) نمی‌گنجد؛ مانند پسرانی که تصور می‌کنند مؤنث هستند و دخترانی که تصور می‌کنند مذکر هستند.

این در حالی است که قرآن کریم به صراحت درباره ممنوعیت همجنس‌گرایی سخن گفته و دلیل عذاب شدن قوم لوط را نیز همین امر برشمرده است. در سوره اعراف چنین بیان فرموده: «وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ؛ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ؛ و (به خاطر آوردید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! شما بدون توجه به حقوق همسران و غافل از اینکه نعمت‌گریزه جنسی برای بقای نسل است از روی میل شدیدی که به آن کار بسیار زشت دارید به سوی مردان می‌آیید، نه فقط در این کار متجاوز از حدود انسانیت هستید بلکه در امور دیگر هم گروهی متجاوز هستید». (اعراف، ۸۰-۸۱)

آیه فوق اشاره به پیشینه تاریخی عمل همجنس‌گرایی و لواط دارد که به قوم لوط باز می‌گردد که مردم ثروتمند، هوسران و شهوت‌پرستی بودند. در آیه بعد گناهی را که در آیه قبل به طور سربسته ذکر شده بود، تشریح می‌کند و می‌گوید: شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید، و از زنان صرف نظر می‌کنید. چه انحرافی از این بدتر و بالاتر که وسیله تولید نسل را که آمیزش زن و مرد است و خداوند آن را به طور غریزی در هر انسانی قرار داده، رها کنند، و سراغ جنس موافق بروند کاری که اصولاً بر خلاف فطرت و ساختمان طبیعی جسم و روح انسان و غریزه تحریف‌نیافته او است و نتیجه‌اش عقیم ماندن هدف آمیزش جنسی است، و به تعبیر دیگر، تنها اثرش یک اشباع کاذب جنسی و از بین بردن هدف اصلی یعنی ادامه نسل بشر می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ج ۱۲، ص ۲۲۵)

کوتاه سخن این که در آموزه‌های شریعت اسلام به صراحت نسبت به حرمت و ممنوعیت همجنس‌گرایی تأکید شده است. بنابراین به رسمیت شناختن این عمل شنیع در سند ۲۰۳۰، در تضاد با مبانی دین اسلام است.

۲.۴. برابری جنسیتی، چالش هویتی نظام سیاسی اسلام

یکی دیگر از نکات مورد توجه در سند ۲۰۳۰ که در تضاد با شریعت اسلام و آموزه‌های اجتماعی آن می‌باشد، القای اصل برابری جنسیتی بین دختر و پسر به کودکان است. منظور از تساوی جنسیتی را در قالب یک مثال ساده می‌توان چنین بیان نمود که پسران می‌توانند متخصص زنان و بارداری شوند و زنان در معدن کار کنند و هیچ ممنوعیتی در این خصوص برای هیچ یک وجود ندارد. به منظور تحقق این هدف، در سند ۲۰۳۰ یونسکو به مواردی مانند تغییر کتب درسی با حذف نقش‌های مادری و همسری و مشابه نشان دادن زن و مرد در تمام عرصه‌ها اشاره شده است که به منظور تحقق یافتن برابری جنسیتی، این موارد مدنظر قرار گرفته است.

۲،۵. دیدگاه اسلام درباره برابری جنسیتی

در سند ۲۰۳۰ به برابری جنسیتی بین زن و مرد اشاره شده است. با توجه به عدم اشاره به تفاوت‌های ساختاری و کارکردی زن و مرد و نیز تجربه غربی‌ها در بحث برابری جنسیتی، مشخص است که مراد از این برابری، مشابهت جنسیتی است. این در حالی است که شریعت اسلام، نظریه عدالت جنسیتی را پذیرفته است نه برابری جنسیتی. عدالت به معنای این است که هر چیزی در جای خودش قرار بگیرد. بر این اساس برای برقراری عدالت می‌ان زن و مرد، به جای اینکه آنها را مشابه هم در نظر گرفته و مثلاً برای زن تکلیفی مشابه تکلیف مردان قائل شده و عملاً تکلیف ما لایطاق برای او در نظر بگیرند، باید تفاوت‌های خَلقی و خُلُقی او با مرد در نظر گرفته شده و هدف‌گذاری و برنامه ریزی آموزشی او نیز بر اساس آن تدوین گردد. (آبوت، ۱۳۸۹: ص ۳۵)

همچنین در نظام آموزش و پرورش دینی، به تناسب فرهنگ سیاسی- اجتماعی اسلام، متون درسی به گونه‌ای تدوین می‌شوند که مثلاً در حوزه مسائل جنسیتی، هر یک از زن و مرد دستور العمل‌های خاص خود را فرا می‌گیرند و حال آنکه این سند، آموزش و پرورش را مکلف به اتخاذ رویکرد واحد در مسائل جنسیتی در متون درسی می‌کند. (شارع پور، ۱۳۸۵: ص ۱۲۱) در شریعت اسلام به والدین و متربیان بیان شده است در مراحل ابتدایی تربیتی جنسی باید هویت جنسی کودک را برای او تبیین کنند. هویت جنسی کودک شامل موضوعات مختلفی از قبیل: شناخت اعضای جنسی بدنش، درک کردن احساسات، هیجانات جنسی او و خواسته‌های منطبق بر جنسیتش می‌شود.

مراد از هویت جنسی این است که کودک بتواند ویژگی‌های ویژگی‌های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی که در هر جنسی نسبت به جنس دیگر متفاوت است را بپذیرد. والدین در تعیین هویت جنسی فرزندان خود با ابرازهای احساسی و عاطفی و رفتارهای متناسب با هر یک از دختر و پسر، ارزشمندی و عزت آنها را آشکار می‌سازند. در این رابطه، روایات فراوانی در متون دینی آمده است. به طور مثال در یکی از این روایات، امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْبَنُونَ نَعِيمٌ وَ الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ اللَّهُ يَسْأَلُ عَنِ النَّعِيمِ، وَ يُثِيبُ عَلَيَّ الْحَسَنَاتِ؛ پسرها نعمت هستند و دخترها حسنه و نیکی، و خداوند در مورد نعمت‌ها سؤال می‌کند و بر حسنات پاداش می‌دهد». (کلینی، ۱۴۲۳: ج ۶، ص ۱۲۷)

برای تربیت لازم است، نقش جنسیتی هر یک از فرزندان دختر یا پسر به آنها آموزش داده شود تا هویت جنسی آنها تقویت گردد. مثلاً دختر یا پسر باید بدانند که جامعه از هر یک از آنها چه انتظاری دارد و هر کدام از نظر رفتاری، گفتاری، پوشاک و مانند آن چه نقشی را باید ایفاکنند و از اجرای نقش‌های جنس دیگر خودداری نمایند. نقش والدین در این زمینه غیرقابل انکار است. باید برای تربیت فرزندان خود در این عرصه وقت کافی بگذارند. (عاملی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۵)

در عصر حاضر با توجه به اشتغالات فراوانی که والدین نسبت به گذشته دارند ناخواسته وقت کمتری را برای بودن در کنار فرزندان خود می‌گذارند. عوارض ناشی از این امر هم در جامعه نمایان است. به طور

مثال در سالیان اخیر بیش از گذشته می‌توان رفتارهای زنانه در بین پسران و رفتارهای مردانه در بین دختران را مشاهده نمود. اعم از رفتارهای ظاهری و پوششی و یا اخلاقی و درونی و یا نیازهای جنسی آن‌ها. تمام این مقولات را تحت تأثیر قرار داده است و به صورت متعددی این موارد در جامعه فعلی قابل مشاهده است. (علم الهدی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۵)

نتیجه

سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ سندی مطابق با فرهنگ مدرن غربی است و در راستای استحاله فرهنگی و تحمیل فرهنگ غربی بر کشورهای جهان به ویژه ممالک اسلامی تنظیم شده است؛ از این رو نگاه خوشبینانه به سند، که با آموزه‌های اجتماعی اسلامی متضاد است، موجه نیست؛ با بررسی محتوای این سند، موارد فراوان تضاد و ناهمخوانی آن با آیات و روایات اسلامی را در باب تربیت جنسی و تربیت سیاسی مشاهده می‌کنیم؛ از جمله تضاد با اصالت خانواده و مهمل گذاشتن خانواده، گنجاندن بی‌ضابطه افراد پراکنده ذیل چتر خانواده، تضاد با اصل عفاف و پاکدامنی، و ترویج هرزه‌گری و بی‌بندوباری، تضاد با آموزه‌های صریح دینی مبنی بر تحریم و ممنوعیت هر گونه انحراف جنسی، تضاد با تربیت جنسی فرزندان بر اساس تعالیم دینی. این در حالی است که نظام سیاسی در جمهوری اسلامی بر نهاد دین استوار شده و نمی‌تواند چنین مؤلفه‌هایی را در نظام تربیتی خود اجرا نماید. اجرا شدن این سند چالش هویتی برای جوان معاصر ایجاد کرده و در آینده یکی از مهم‌ترین چالش‌های حاکمیت سیاسی خواهد بود که جامعه‌پذیری ارزشها بر اساس آرمان‌های اسلامی انجام نشده و شهروندانی با ارزش‌های متفاوت مواجه خواهد بود، امری که می‌تواند در پی خود، منجر به انحراف و استحاله سیاسی-اجتماعی جامعه اسلامی گردد. لذا در مجموع می‌توان گفت که سند ۲۰۳۰ با هدف عالی تربیت سیاسی در نظام اسلامی ناهماهنگی و تضاد دارد.

۳. منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه حسین انصاریان.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، چاپ نهم، قم: مکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ ه.ق.
۳. اسمیت، فیلیپ جی، فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه سعید بهشتی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۷ ه.ش.
۴. الیاس، جان، فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه عبد الرضا ضرابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ ه.ش.

۵. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ هفتم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ه.ش.
۶. آبوت، پاملا؛ والاس، کلر، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه عراقی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹ ه.ش.
۷. بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۹۶ ه.ش.
۸. تقی پور، ظهیر، علی، مبانی و اصول آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۹۴ ه.ش.
۹. ثابت، حافظ، تربیت جنسی در اسلام، چاپ هفتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ دوازدهم، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۱. ربانی، رسول، تحلیلی بر نابرابری‌های اجتماعی در فرایند تدریس، چاپ سوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۶ ه.ش.
۱۲. سیف، علی اکبر، روانشناسی یادگیری و آموزش، چاپ دوم، تهران: آگاه، ۱۳۹۷ ه.ش.
۱۳. شادی، احمد، انحرافات جنسی کودکان، چاپ هشتم، تهران: بیهقی، ۱۳۹۵ ه.ش.
۱۴. شارع پور، محمد، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۸۵ ه.ش.
۱۵. صالحی، سیدعباس، حضور، شماره ۴۵، ۱۳۸۲ ه.ش.
۱۶. عاملی، علی، تربیت جنسی در خانواده، چاپ چهارم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹ ه.ش.
۱۷. علاقه‌بند، علی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: روان، ۱۳۷۹ ه.ش.
۱۸. علم الهدی، جمیله، اهداف تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ ششم، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی، ۱۳۸۶ ه.ش.
۱۹. فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث، چاپ سیزدهم، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۴ ه.ش.
۲۰. قوام، عبدالعلی، توسعه سیاسی و تحول اداری، نشر قومس، ه.ش. ۱۳۷۱.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی، چاپ یازدهم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۲۳ ه.ق.
۲۲. محمد طحان، مصطفی، چالش‌های سیاسی جنبش اسلامی معاصر، ترجمه خالد عزیز، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۱.
۲۳. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ بیستم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۴. مجموعه مقالات برگزیده همایش تربیت در سیره و کلام امام علی(ع)، تهران، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ سی و دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۸۴ ه.ش.